

تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران

اصغر ضرابی، انشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، ایران*
احمد شاهوندی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

برای سنجش و رتبه‌بندی توسعه اقتصادی مناطق، شاخص‌های زیادی وجود دارد که هر کدام از آنها اهمیت خاصی دارند. با توجه به این که تعداد شاخص‌های اقتصادی بسیار زیاد بوده و شاخص‌های منتخب درجات متفاوتی از اهمیت دارند، انتخاب شاخص‌های خاص بر نتیجه تحقیق تأثیر بسزایی می‌گذارد. این تحقیق با استفاده از ۲۵ شاخص اقتصادی، به دنبال سنجش سطح توسعه یافتگی اقتصادی و رتبه‌بندی استان‌های ایران است. برای سنجش توسعه یافتگی اقتصادی می‌توان از مدل‌های مختلفی استفاده کرد. در این مقاله برای سنجش سطح توسعه یافتگی اقتصادی و رتبه‌بندی استان‌های ایران از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که اختلاف بسیاری بین استان‌های ایران از نظر درجه توسعه یافتگی اقتصادی وجود دارد به طوری که استان‌هایی مانند: تهران، اصفهان و خراسان رضوی توسعه یافته، برخی دیگر از استان‌ها مانند: ایلام، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، محروم و سایر استان‌ها از نظر شاخص‌های توسعه اقتصادی در حد متوسط‌اند و از استان‌های بالا دست و پایین دست خود فاصله گرفته‌اند که این وضعیت، باعث ایجاد یک شکاف اقتصادی در بین استان‌های ایران شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه اقتصادی، تحلیل عاملی، سطح بندی، استان‌های ایران.

۱- مقدمه

راهبردهای توسعه را تجربه کرده بودند، به ویژه، با اتخاذ راهبرد رشد و برنامه‌های سیاست تعدیل، معضل فقر و شکاف‌های اقتصادی- اجتماعی بیشتر نمایان گردید. پر واضح است که نمود چنین معضلاتی به ویژه در استان- های محروم که دارای مشکلات ساختاری و موروثی خاص خود می‌باشند بیشتر است و این امر نه تنها باعث بروز مشکلات روزافزون و پیچیده‌تر برای مردم می‌شود بلکه به نظر می‌رسد موجبات افزایش نگرانی مسئولان را نیز فراهم آورده است (کاظمی و زمانیان، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

مدل‌های اقتصادی که فعالیت‌های اقتصادی و تغییر و تحولات آن را در درون سیستم‌های فضایی بررسی می‌کنند، در مطالعات امروزی جغرافیا از اهمیت بسزایی برخوردارند، زیرا فعالیت‌های اقتصادی در یک سرزمین، افراد را قادر به زندگی در آن ناحیه می‌کند و حضور جمعیت در یک ناحیه با وجود اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی معنی و مفهوم پیدا می‌کند (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۶۵). درکشور ایران، همانند سایر کشورهای در حال توسعه که از دهه ۵۰ به نوعی

این چهار عامل، استان‌های ایران، بر اساس میزان توسعه یافتگی اقتصادی، در چهار گروه عمده و به صورت توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته و محروم، طبقه‌بندی شده‌اند.

۱-۱- طرح مسأله

مطالعات جغرافیایی در اقتصاد بر مبنای دو علم جغرافیا و اقتصاد متکی است و بدین جهت، اقتصاد را در جغرافیا (یعنی کی و کجا) و جغرافیا را در برخورد با اصول اقتصادی (یعنی چطور و چقدر) مطالعه می‌کند. آنچه مهم است، این است که در این مطالعات، انسان که عامل اصلی تولید و نیز عامل اصلی مصرف است، فراموش نمی‌شود، بنابراین، این دسته از مطالعات بر مبنای جغرافیای انسانی نیز متکی است (آسایش و مشیری، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

اقتصاد، عامل اصلی توسعه یافتگی محسوب می‌شود؛ به همین علت، کشورهای جهان سوم در صورتی می‌توانند توسعه پیدا کنند که به این اصل مهم توجه کنند. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که نوعی توازن و انسجام اقتصادی در مناطق و استان‌های مختلف به وجود آورند، تا با رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ بتوانند اختلافات توسعه اقتصادی استان‌ها را برطرف کنند. مسأله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته شده، این است که با توجه به ۲۵ شاخص اقتصادی مد نظر، نحوه توزیع فعالیت‌های اقتصادی چگونه است و کدام یک از استان‌های ایران توانسته‌اند موقعیت مناسبی در میان سایر استان‌ها پیدا کنند و کدام یک محروم‌اند و رتبه هر یک از استان‌ها در بین سایر استان‌ها چگونه

توسعه اقتصادی، به رغم قدمت چند صد ساله اش در جهان متمدن و پیشرفته برای کشورهای توسعه نیافته پدیده‌ای آرمانی و مطلوب است. آر. پی. میسرا در کتاب بینش‌های متغیر مسائل توسعه (۱۹۸۱)، توسعه را یک ایدئولوژی به شمار می‌آورد و آن را دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود می‌داند. میسرا در جای دیگر، توسعه را رفعت انسان به عنوان عضو جامعه بشری و ارتقای رفاه زندگی وی قلمداد می‌کند و هدف توسعه اقتصادی را ایجاد وسیله مناسب برای رسیدن انسان‌ها به رشد و تعالی می‌داند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۳).

تاکنون در ایران راجع به برنامه‌های توسعه منطقه‌ای تحقیقات زیادی انجام شده که هر کدام از آنها جنبه‌های خاصی از توسعه را مد نظر قرار داده است. برای مثال: امیر احمدی در مقاله‌ای با عنوان پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران با توجه به پاره‌ای از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به مقایسه وضعیت توسعه یافتگی استان‌ها در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ پرداخته و ضمن بررسی وضعیت توسعه در این استان‌ها به مقایسه وضعیت تغییر و تحولات رتبه‌ای آنها در این سال‌ها پرداخته است. در این مقاله از ۱۳ شاخص اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استفاده شده و گزارشی کلی از وضعیت تفاوت‌های توسعه استان‌های کشور ارائه شده است (امیراحمدی، ۱۳۷۵). پژوهش حاضر، مطالعات دقیق‌تر و مفصل‌تر وضعیت نابرابری توسعه اقتصادی در استان‌های ایران را دنبال می‌کند. برای جمع‌آوری شاخص‌های مد نظر از سالنامه آماری سال ۱۳۸۵ استفاده شده که این شاخص‌ها، با استفاده از روش تحلیل عاملی به چهار عامل اصلی تبدیل شده‌اند و با توجه به

۱-۴-۱- بین استان‌های کشور از نظر سطح توسعه اقتصادی تفاوت زیادی وجود دارد.

۱-۵- روش پژوهش

با توجه به شاخص‌های مورد نظر، روش تحقیق در این پژوهش به صورت (کمی و تحلیلی) بوده، جامعه آماری کل استان‌های ایران است که بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است. شاخص‌های مورد نظر ۲۵ شاخص انتخابی است که از طریق سرشماری عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری سال ۱۳۸۵ جمع آوری شده اند. این شاخص‌ها از طریق مدل تحلیل عاملی، به چهار عامل تبدیل شده‌اند. برای به دست آوردن امتیازات عاملی از روش استاندارد استفاده شده و به جای استفاده از روش متعارف تحلیل مؤلفه‌های اصلی در تحلیل عاملی به منظور رفع کاستی‌های این روش، از روش اصلاح شده آن استفاده شده و براساس شاخص‌های ترکیبی، استان‌ها رتبه‌بندی شده‌اند که هر یک از استان‌ها بر اساس رتبه‌هایی که از شاخص‌های اقتصادی کسب کرده‌اند، در چهار طبقه: توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته و محروم، قرار گرفته‌اند.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- توسعه اقتصادی

در مطالعات مربوط به توسعه اقتصادی، پرسش اصلی، به طور مختصر و مفید این است: «توسعه اقتصادی یک جامعه شامل چه مواردی است؟» دیدگاهی که سالیان متمادی مورد پذیرش بوده، این است که افزایش مستمر و با ثبات درآمد ملی شاخص مناسبی برای توسعه اقتصادی است. این باور بر پایه این تصور است که یک چنین افزایشی، فقط در صورتی می‌تواند در

است و چه چیزی سبب اختلاف توسعه اقتصادی در بین استان‌های ایران شده است؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق به شرح زیر است:

- ۱- سنجش توسعه یافتگی اقتصادی استان‌های ایران
- ۲- مشخص کردن میزان اختلاف سطح توسعه یافتگی اقتصادی در میان استان‌های ایران
- ۳- مشخص کردن استان‌های محروم از نظر توسعه اقتصادی
- ۴- متوجه ساختن مسئولان در جهت توجه بیشتر به استان‌های محروم از نظر اقتصادی

۱-۳- اهداف تحقیق

با توجه به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی که در ایران انجام می‌گیرد، هدف اصلی این تحقیق مشخص کردن سهم استان‌های کشور از برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی است و اینکه کدام یک از آنها توانسته‌اند جایگاه مناسبی در اقتصاد کشور پیدا کنند و کدام یک از آنها در محرومیت قرار گرفته‌اند و راهکارهای مناسب در جهت از بین بردن این اختلاف سطح توسعه اقتصادی، کدامند.

۱-۴- فرضیه تحقیق

محقق، با اشراف نسبی به موضوع تحقیق و همین‌طور توانایی در جهت انجام تقریبی گمانه‌ها در موضوع تحقیق، برای آزمایش آزمون، فرضیاتی را که هدف اصلی و ماهیت تحقیق است، مطرح می‌کند و با سنجیدن آنها وظیفه محول شده را انجام می‌دهد؛ فرضیه این تحقیق به قرار زیر است:

۱- افزایش سهم سرمایه‌گذاری در هزینه‌های ملی که به افزایش در سهم سرمایه به ازای سرانه هر شاغل منجر شود؛

۲- تغییر و تنوع ساخت تولید ملی به گونه ای که صنایع بخش‌های رفاهی و خدماتی، سهم نسبتاً بیشتری در مقایسه با کشاورزی و دیگر شکل‌های تولید اولیه به دست آورد؛

۳- افزایش سهم بخش بازرگانی خارجی، خصوصاً به صورت صادرات فرآوری شده متناسب با کل اقتصاد، در صادرات؛

۴- افزایش بودجه دولت، با توجه به آنکه تعهدات وسیعی در ایجاد زیربنای اقتصادی و اجتماعی دارد، متناسب با درآمد ملی؛

۵- افزایش سریع جمعیت بر اثر کاهش میزان مرگ و میر و سپس، وقوع یک گذر جمعیتی که در آن شرایط ارتقا یافته زندگی، به نوبه خود موجب پایین آمدن نرخ تولد در راستای ممانعت از افزایش کل جمعیت می‌گردد؛

۶- تغییر جمعیت ساکن در نواحی شهری از یک اقلیت کوچک به یک اکثریت بزرگ؛

۷- رواج سریع سواد، مهارت و دیگر صور آموزش و پرورش در بین جمعیت (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۵).

۲-۲- موانع توسعه اقتصادی هماهنگ در ایران

هر کدام از نظریه پردازان درباره توسعه نیافتگی هماهنگ استان‌های ایران، به عواملی اشاره کرده‌اند، که این عوامل به طور کلی به دو دسته عوامل داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند.

دوره‌های بلند مدت پایدار باشد که فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی خاصی در کار باشند (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۴).

چنری^۱ می‌گوید «توسعه اقتصادی، به مثابه مجموعه تغییرات مرتبط با هم، در ساختار اقتصادی است که برای رشد مداوم لازم است؛ اگر چه رشد اقتصادی به معنی افزایش درآمد سرانه (به قیمت ثابت) است و درآمد سرانه زمانی افزایش می‌یابد که مجموع ارزش افزوده، همه کالاها و خدمات تولیدی در کشور افزایش پیدا کند» (بهشتی، ۱۳۸۳: ۴).

حداقل، در زمان آدام اسمیت، تصور توسعه (نه خود اصطلاح توسعه) ارتباط نزدیکی با تصور رشد اقتصادی داشته است. در واقع، برخی اوقات، منظور از توسعه همان رشد اقتصادی بوده است. اگر چه برخی از اقتصاددانان جدید و عالمان نوین علوم اجتماعی اکنون به توسعه به صورت بسیار دقیق‌تری می‌نگرند و همان طور که می‌بینیم، حتی نهادهای مهم مالی و توسعه بین‌المللی، همچون بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول (IMF) امروزه در مورد توسعه ساده نمی‌اندیشند و آن را معادل رشد در نظر نمی‌گیرند (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۵۳).

به نظر میرسد، توسعه اقتصادی فرآیندی است که طی آن درآمد سرانه حقیقی یک کشور در یک دوره زمانی بلندمدت افزایش یابد؛ مشروط بر اینکه، تعداد افراد زیر خط مطلق فقر، افزوده و توزیع درآمد، بدتر نشود (بهشتی، ۱۳۸۳: ۵).

در رشد و توسعه اقتصادی یک کشور عوامل مختلفی دخالت دارند که عبارتند از:

^۱.Chenery

^۲.Meier

لهسایی زاده در کتاب جامعه‌شناسی توسعه معتقد است که موانع داخلی توسعه اقتصادی هماهنگ، عبارتند از:

الف- کمبود سرمایه‌گذاری؛ ب- توزیع نابرابر کالاها و خدمات؛ ج- رشد بی‌تناسب بخش خدمات؛ د- بیکاری و فقر (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۷) که در زیر به بررسی هر کدام از آنها در ارتباط با ایران پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- کمبود سرمایه‌گذاری

اکثر قریب به اتفاق اقتصاددانان معتقدند که یکی از موانع اصلی توسعه کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران کمبود سرمایه‌گذاری و نبود انباشت سرمایه است که این وضعیت در استان‌های محروم کشور به وضوح دیده می‌شود. تمرکزگرایی شدید ثروت و سرمایه در برخی از استان‌ها و عدم سرمایه‌گذاری اولیه برای تأمین نیازهای ابتدایی در برخی از استان‌های دیگر باعث نوعی دوگانگی شدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در استان‌های ایران شده است؛ به طوری که استان‌هایی که سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی آنها انجام گرفته و ارزش افزوده بیشتری ناشی از تولید و فروش کالاها و خدمات دارند، از نظر توسعه موقعیت بهتری به دست آورده‌اند، همانند تهران و اصفهان، و بر عکس، استان‌هایی که در آن سرمایه‌گذاری محدودی شده؛ با وجود دارا بودن منابع طبیعی (نفت، جاذبه‌های گردشگری و غیره) هنوز نتوانسته‌اند از فقر و محرومیت‌های رهایی یابند؛ همانند: کهکیلویه و بویر احمد و چهارمحال و بختیاری. بنابراین، یکی از ضروریات توسعه و از جمله توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری است.

۲-۲-۲- توزیع نابرابر کالاها و خدمات

توزیع نابرابر کالا و خدمات باعث شده که افراد فرصت یکسانی در استفاده از سرمایه‌های موجود در جامعه نداشته باشند، در نتیجه باعث توسعه ناموزون در جامعه شده که خود یکی از موانع توسعه است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۷). در کشورهای در حال توسعه، تعداد کمی از جمعیت، به اکثر امکانات دسترسی دارند و اکثر مردم، از خدمات و کالاهای اساسی محرومند. به عبارتی دیگر، رفاه اقتصادی و اجتماعی مختص به گروه خاصی از جامعه است. در سطح کلان و در میان استان‌های کشور این نوع تفاوت‌ها و شکاف‌ها وجود دارد؛ به طوری که برخی از استان‌ها بالاترین خدمات بروز را دارا می‌باشند و با دنیای خارج از استان و کشور خود دائماً در ارتباط‌اند، ولی برخی دیگر از استان‌ها و مناطق از تأمین نیازهای اولیه و اساسی خود ناتوانند.

۲-۲-۳- رشد بی‌تناسب بخش خدمات

یکی از نتایج وابستگی کشورهای در حال توسعه، توجه بیشتر به بخش خدمات و کالاهای لوکس و مصرفی است؛ به طوری که بیشترین سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه بر روی خدمات و کالاهای مصرفی صورت می‌گیرد و باعث بی‌تناسبی این بخش اقتصادی با سایر بخش‌های تولیدی اقتصادی و در نتیجه، تضعیف بخش‌های تولیدی می‌شود. در کشور ایران، یکی از عوامل توسعه نیافتگی هماهنگ استان‌ها سرمایه‌گذاری کلان دولت در بخش خدمات، در شهرهای بزرگ، مانند: تهران و نبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های اول و دوم اقتصادی در سایر استان‌های کشور می‌باشد. همین عامل باعث اختلاف درآمد در بین استان‌ها و در نتیجه، مسائل

استان‌های محروم جدا سازند و همچنان در محرومیت به سر می‌برند.

۲-۳- تحلیل عاملی

استفاده از روش تحلیل عاملی را می‌توان به سالیان قبل و به پیرسون^۱ (۱۹۰۱) و اسپیرمن^۲ (۱۹۰۴) نسبت داد و این روش به وسیله تورستون^۳ در سال (۱۹۳۱) به دیگران معرفی شد. اولین کتاب یا متنی که درباره این موضوع ارائه شد از سوی گورسوچ^۴ (۱۹۸۳) بود (Sewell, 2007: 4)، چون در آن زمان محاسبات با دست انجام می‌گرفت، به همین علت انجام دادن این محاسبات برای بیش از چند متغیر بسیار مشکل بود. بعد از آن که رایانه در سطح وسیعی در دسترس قرار گرفت، این تکنیک نیز در سطح وسیع استفاده شد (امینی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۴).

تحلیل عاملی، نامی عمومی برای برخی از روش‌های آماری چند متغیره است که هدف اصلی آنها خلاصه کردن داده‌هاست. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت، آنها را در قالب عامل‌های عمومی محدودی دسته‌بندی کرده، تبیین می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۲۸۲). به عبارت دیگر، تحلیل عاملی نوعی روش آماری است که هدف از کاربرد آن، ارائه مجموعه‌ای از متغیرها بر حسب تعداد کمتری از متغیرهای فرضی است. به بیان دیگر، در تحلیل عاملی تعداد زیادی از متغیرها بر حسب تعداد کمی از

مشکلات زیادی در استان‌های محروم مانند بیکاری و مهاجرت و در استان‌های توسعه یافته مانند تراکم و تمرکز جمعیت، کمبود مسکن، حاشیه‌نشینی و غیره شده است.

۲-۲-۴- بیکاری و فقر

بیکاری در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یکی از عوامل اصلی فقر در این کشورها است. کشورهای که نتوانند فرصت‌های اشتغال را برای افراد در سن فعالیت ایجاد کنند، به مرور زمان ضعیف شده، از توسعه اقتصادی فاصله زیادی می‌گیرند. در کشور ایران نیز این وضعیت به وضوح پیداست. استان‌هایی که نیروی بیکار بیشتری دارند، از توسعه اقتصادی فاصله بیشتری دارند و این خود گویای این واقعیت است که اگر نیروی بیکار در جامعه زیاد باشد، فقر و گرسنگی در آن جامعه نیز بیشتر خواهد بود.

علاوه بر موارد ذکر شده، عامل مهم دیگری که وجود دارد، ویژگی‌های محیطی و طبیعی است که با وجود تکنولوژی پیشرفته، نقش آن تا حدود زیادی کم رنگ شده است؛ به گونه‌ای که کشورهای که به تکنولوژی برتر دسترسی دارند، تا حدود زیادی توانسته‌اند با کمبود منابع طبیعی مقابله کنند. برای مثال، در کشوری مثل امارات (شهر دبی)، با این که از منابع طبیعی، همانند برف محرومند با این وصف با ایجاد پیست‌های اسکی مصنوعی برف، توانسته‌اند درآمد زیادی از راه گردشگری کسب کنند، ولی در کشور ایران برخی از استان‌ها، همانند چهارمحال و بختیاری با وجود دارا بودن جاذبه‌های طبیعی در تمام فصول سال، نتوانسته‌اند خود را از

1. Pearson

2. Spearman

3. Thurstone

4. Gorsuch

۲-۴- تحلیل عاملی در علم جغرافیا

از عمده کاربردهایی که برای جغرافیا متصور است، زمینه‌ساز بودن آن در امور توسعه اقتصادی، اجتماعی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، شهری، روستایی و مطالعات زیست-محیطی است، زیرا توسعه اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی، اغلب پیامد و یا فرآیند برنامه‌ریزی‌های مدونی است که با شناخت کمی، کیفی و تعامل پدیده‌های جغرافیایی تحقق می‌یابد. شناخت منطقی پدیده‌های جغرافیایی، تحلیل و تعامل آنها در قالب گرایش‌های مشخص علم جغرافیا، اساس برنامه‌ریزی‌های توسعه را تشکیل می‌دهد. عمده‌ترین بخش این نظام که برنامه‌ریزی‌ها بیش از هر چیز دیگر به آن نیاز دارند، آگاهی و اطلاع کمی از پدیده‌ها، سازماندهی و تجزیه و تحلیل آنهاست که این مهم به وسیله علم آمار پردازش می‌شود و نتایج آن در مطالعات گسترده جغرافیایی، و بویژه در نظام برنامه‌ریزی حایز اهمیت است (مهدوی و طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۱).

تحلیل عاملی یکی از تکنیک‌های آماری است که از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی (برابر با ۱۳۳۹ش) تا کنون در جغرافیا مورد توجه زیادی قرار گرفته است. از این روش برای تعیین مناطق، طبقه‌بندی شهرها و تجزیه و تحلیل-های جامعه شهری و نیز اندازه‌گیری تغییرات فضایی در بهداشت اجتماعی و اقتصادی استفاده زیادی می‌شود.

علاوه بر این، از تحلیل عاملی برای به کارگیری داده‌ها و کاهش احتمالی خطا در شرایطی که نیاز به قضاوت نظری وجود دارد، به خوبی می‌توان استفاده کرد. با به کارگیری تحلیل عاملی در جغرافیا، می‌توان متغیرهایی را که به یکدیگر مرتبط هستند، در قالب شاخص‌هایی که ابعاد اساسی ویژه‌ای را توصیف می‌کنند و یا پدیده‌های

ابعاد یا سازه‌ها بیان می‌شود. این سازه، فاکتور یا عامل نامیده می‌شود (منصورفر، ۱۳۸۵: ۲۵۵).

تحلیل عاملی به عنوان روشی برای تحلیل داده‌های فراوان است و هدف از آن، خلاصه کردن متغیرهاست. این عمل باید به صورتی انجام شود که متغیرها خصوصیت اصلی و اولیه خود را از دست ندهند. این روش قیاسی منطقی در مورد شاخص‌های اصولی است که قابل مشاهده بوده، جزئی از عامل‌های مشترک هستند. هر یک از متغیرهای قابل مشاهده، ترکیب خطی از عامل‌ها (شاخص‌های غیر قابل مشاهده) و ضریب خطایی که دارند، هستند و تحلیل آنها در دو مرحله انجام می‌پذیرد: مرحله نخست که تحلیل عناصر اصلی و ارائه راه‌حل‌های مناسب برای مجموعه‌هایی پیچیده از معادله‌هاست و مرحله دوم چرخش راه حل است که راه حل ساده‌تری ارائه می‌دهد. اغلب موارد روش چرخشی که انتخاب می‌شوند، روش واریماکس بوده که هدف آن مشخص کردن تعدادی از وزن‌های ممکن شاخص‌های مربوط به عامل‌هاست که مقدار آن نزدیک به صفر یا یک است (Everitt & Dunn, 1994: 17).

تحلیل عاملی در چند مرحله انجام می‌گیرد:

- ۱- وجود تعدادی شاخص
 - ۲- تشکیل ماتریس واریانس-کواریانس از متغیرهای قابل مشاهده
 - ۳- انتخاب تعدادی عامل
 - ۴- مشخص کردن عامل اصلی از سایر عوامل
 - ۵- ارائه چرخش عامل در جهت راه حل نهایی
 - ۶- تفسیر ساختار عامل‌ها
- ساختن نمره‌های فاکتور برای استفاده در تحلیل‌های بعدی (Gorsuch, 1983, 27).

استخراج ماتریس همبستگی، با استفاده از روش مؤلفه-های اصلی، مشترکات^۲، مقادیر ویژه^۳، درصد واریانس^۴ و درصد تجمعی^۵ کل واریانس برای هر مؤلفه استخراج و در جدول ارائه شده است.

در این مرحله، کلیه مؤلفه‌هایی که مقادیر ویژه آنها بیش از یک بوده است، به عنوان مؤلفه‌های اصلی برگزیده می‌شوند. در این عملیات، چهار مؤلفه برگزیده-اند که جمعاً ۹۰/۹ درصد واریانس را توجیه نموده‌اند.

پس از استخراج چهار عامل اصلی، مرحله دوران عامل‌ها شروع می‌گردد. برای روشن‌تر شدن ارتباط عوامل با متغیرها باید عوامل چهارگانه استخراج شده را با استفاده از دوران واریماکس^۶ چرخش داد. حاصل این چرخش، ماتریس عاملی دوران یافته^۷ است که وزنی را برای هر عامل در مقابل متغیر مربوط نشان می‌دهد. وقتی عامل‌ها متعامد^۸ باشند (یعنی با یکدیگر همبسته نیستند)، عوامل دوران یافته، ضریب همبستگی بین متغیرها و عوامل را نشان خواهند داد. در نتیجه، عاملی که قدر مطلق آن بیشتر باشد (البته، حداکثر میزان آنها از یک تجاوز نمی‌کند)، تأثیر بیشتری در متغیر دارد.

پس از استخراج ماتریس عاملی دوران یافته، به ایجاد ماتریس امتیازات عاملی^۹ پرداخته می‌شود. امتیاز عاملی در واقع عبارت است از عددی که پس از ضرب وزن عاملی در مقادیر شاخص اصلاح شده از طریق استاندارد کردن به دست می‌آید. در این مرحله، ماتریس مربوط به

ساختاری اساسی که شرایط را منعکس می‌کنند، با هم ترکیب کرده، در نتیجه تعداد آنها را کاهش داد. استدلال در تحلیل عاملی به بیان ساده این است که هر گاه تعدادی از متغیرها با موضوع مورد بررسی همبستگی داشته باشند، با یکدیگر نیز همبستگی دارند. بر عکس، اگر همبستگی بین متغیرها کم باشد، به نظر نمی‌رسد که آنها در عوامل مشترکی سهیم باشند (آسایش و استعلاجی، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

۳- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۳-۱- تعیین شاخص‌ها

برای طبقه‌بندی استان‌های کشور از نظر سطح توسعه اقتصادی لازم است شاخص‌های مورد نیاز با توجه به اطلاعات موجود و دست یافتنی انتخاب شوند. از سوی دیگر، عامل تعیین کننده در چند و چون شاخص‌ها در هر مطالعه‌ای، هدف مطالعه است. هدف از این مطالعه؛ شناخت نابرابری‌های سطح توسعه اقتصادی استان‌های کشور است، بنابراین، بر پایه چارچوب نظری و دیدگاههایی که در مباحث پیشین به تفصیل از آنها سخن رفته است، شاخص‌های ارزیابی و رتبه‌بندی مناطق (۲۵ شاخص) در این پژوهش مد نظر است.

۳-۲- یافته‌های پژوهش

عملیات تحلیل عاملی به منظور کاهش شاخص‌های مربوط به توسعه اقتصادی استان‌های ایران است که ابتدا با ماتریس همبستگی^۱ آغاز می‌گردد. نتایج حاصل از ماتریس همبستگی برای استان‌ها نشان می‌دهد که همبستگی در میان شاخص‌ها متعادل است. پس از

2. Community

3. Eigenvalue

3. Pct of Var

5. Cum pct

6. Varimax Rotation

7. Rotated Factor(component) Matrix

8. Orthogonal

9. Factor Score (Component Score Coefficient Matrix)

¹Correlation Matrix

شاخص‌های استاندارد شده در ماتریس عاملی دوران یافته ضرب ماتریسی می‌گردد و بدین ترتیب، تعداد شاخص‌ها از ۲۵ شاخص فقط به چهار عامل برای هر استان کاهش می‌یابد.

جدول شماره (۱): آمار نهایی برای تحلیل داده‌ها

نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
۱	11.635	44.752	44.752
۲	6.291	24.194	68.946
۳	2.902	11.160	80.106
۴	2.807	10.796	90.902

مأخذ: نگارندگان

۱۲ شاخص بارگذاری شده و با توجه به این که برخی از شاخص‌ها جزو شاخص‌های رفاهی و برخی دیگر جزء شاخص‌های تجاری محسوب می‌شوند و رابطه معناداری بین آنها وجود دارد، این عوامل را عوامل «تجاری و رفاهی» نام گذاری کرده‌اند (جدول شماره ۲).

۳-۳- نام گذاری عامل‌ها

با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها، می‌توان اسامی یا عناوین مناسبی را برای هر یک از آنها انتخاب نمود که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود:

۳-۳-۱- عامل اول

مقدار ویژه این عامل ۱۱/۶۳ است که ۴۴/۷۵ درصد واریانس را محاسبه نموده، توضیح می‌دهد. در این عامل

جدول شماره (۲): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل اول

ردیف	نام شاخص	میزان همبستگی
۱	سرانه ارزش افزوده ناشی از فروش کالا و خدمات	.۹۹
۲	سرانه درآمد ناشی از فروش خدمات فرهنگی و هنری	.۹۹
۳	تعداد انبارهای خدماتی به کل مراکز خدماتی	.۹۹
۴	سرانه درآمد ناشی از تبلیغات کالاها	.۹۸
۵	نسبت شاغلان در بخش خدمات و بازرگانی به کل شاغلان	.۹۸
۶	نسبت درآمد ناشی از خدمات نشر و پخش آثار فرهنگی، هنری و خبری به کل درآمد خدمات و بازرگانی	.۹۷
۷	تعداد شرکت‌های تعاونی خدماتی در شهر و روستا	.۹۷
۸	میزان سرمایه ناشی از خدمات به کل سرمایه اقتصادی	.۹۷
۹	نسبت تعداد مسافرت‌های هوایی به کل جمعیت در سال	.۹۵
۱۰	تعداد کارگاههای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در شهر و روستا	.۹۵
۱۱	نسبت تعداد اقامتگاهها و مهمانسراها به کل جمعیت استان	.۷۹
۱۲	نسبت شاغلان در حمل و نقل عمومی به کل شاغلان	.۶۸

مأخذ: نگارندگان

شاخص‌ها مختص به کشاورزی و دامداری هستند. لذا بر اساس شاخص‌های بارگذاری شده می‌توان این عامل را عامل کشاورزی نامید (جدول شماره ۳).

۳-۳-۲- عامل دوم

مقدار ویژه این عامل ۶/۲۹ است که ۲۴/۱ درصد واریانس را محاسبه نموده و توضیح می‌دهد. در این عامل هفت شاخص بارگذاری شده است که همه این

جدول شماره (۳) شاخص‌های بارگذاری شده در عامل دوم

ردیف	نام شاخص	میزان همبستگی
۱	نسبت زراعت (مقدار تولیدگندم، جو، ذرت و غیره) به سطح زیر کشت	.۹۷
۲	نسبت پرورش ماهی و میگو (میزان بهره‌برداری) به زمین‌های کشاورزی	.۹۶
۳	نسبت دامداری (تعداد دام به جمعیت دام پرور)	.۸۹
۴	نسبت میزان بهره‌برداری محصولات کشاورزی به مساحت زمین کشاورزی	.۸۸
۵	باغداری (میزان تولید میوه به سطح زیرکشت)	.۸۷
۶	میزان تولید فرآورده‌های دامی (گوشت، شیر و غیره) به تعداد کشاورزان	.۸۵
۷	ارزش افزوده در بخش کشاورزی	.۷۹

مأخذ: نگارندگان

۳-۳-۴- عامل سوم

نفت در خارج از استان‌های تولید کننده نفت، هستند، بنابراین، شاخص تولید نفت در نظر گرفته نشده است- هستند. بنابراین، این عامل را می‌توان عامل معادن و منابع طبیعی نامید (جدول شماره ۴).

مقدار ویژه این عامل ۲/۹ بوده که ۱۱/۱ درصد واریانس را محاسبه و توضیح می‌نماید. در این عامل سه شاخص بارگذاری شده که همگی از نوع شاخص‌های معادن (به جز نفت- از آنجایی که برخی از پالایشگاه‌های

جدول شماره (۴): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل سوم

ردیف	نام شاخص	میزان همبستگی
۱	تعداد شاغلان در بخش معادن به کل شاغلان	.۹۴
۲	درصد ارزش تولیدی ناشی از معادن	.۸۹
۳	سرانه ارزش افزوده در بخش معادن	.۸۰

مأخذ: نگارندگان

۳-۳-۵- عامل چهارم

شاخص بارگذاری شده که همگی از نوع شاخص‌های صنعتی می‌باشند. بنابراین، این عامل را می‌توان عامل صنعتی نام نهاد (جدول شماره ۵).

مقدار ویژه این عامل ۲/۸ بوده که ۱۰/۷ درصد واریانس را محاسبه و تفسیر می‌نماید. در این عامل سه

جدول شماره (۵): شاخص‌های بارگذاری شده در عامل چهارم

ردیف	نام شاخص	میزان همبستگی
۱	تعداد کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر	.۹۸
۲	سرانه ارزش افزوده صنعتی به کارگران صنعتی	.۹۴
۳	تعداد شاغلان در بخش صنعت به کل شاغلان	.۹۱

مأخذ: نگارندگان

۳-۶- رتبه‌بندی استان‌ها

بعد از انجام مراحل ذکر شده، با استفاده از امتیاز عاملی که برای هر یک از استان‌ها محاسبه شده، به رتبه‌بندی استان‌ها مبادرت گردیده است. برای به دست آوردن امتیازات عاملی، از روش استاندارد کردن استفاده شده و به جای استفاده از روش متعارف تحلیل مؤلفه‌های اصلی در تحلیل عاملی، به منظور رفع کاستی‌های این روش، از روش اصلاح شده آن استفاده و براساس

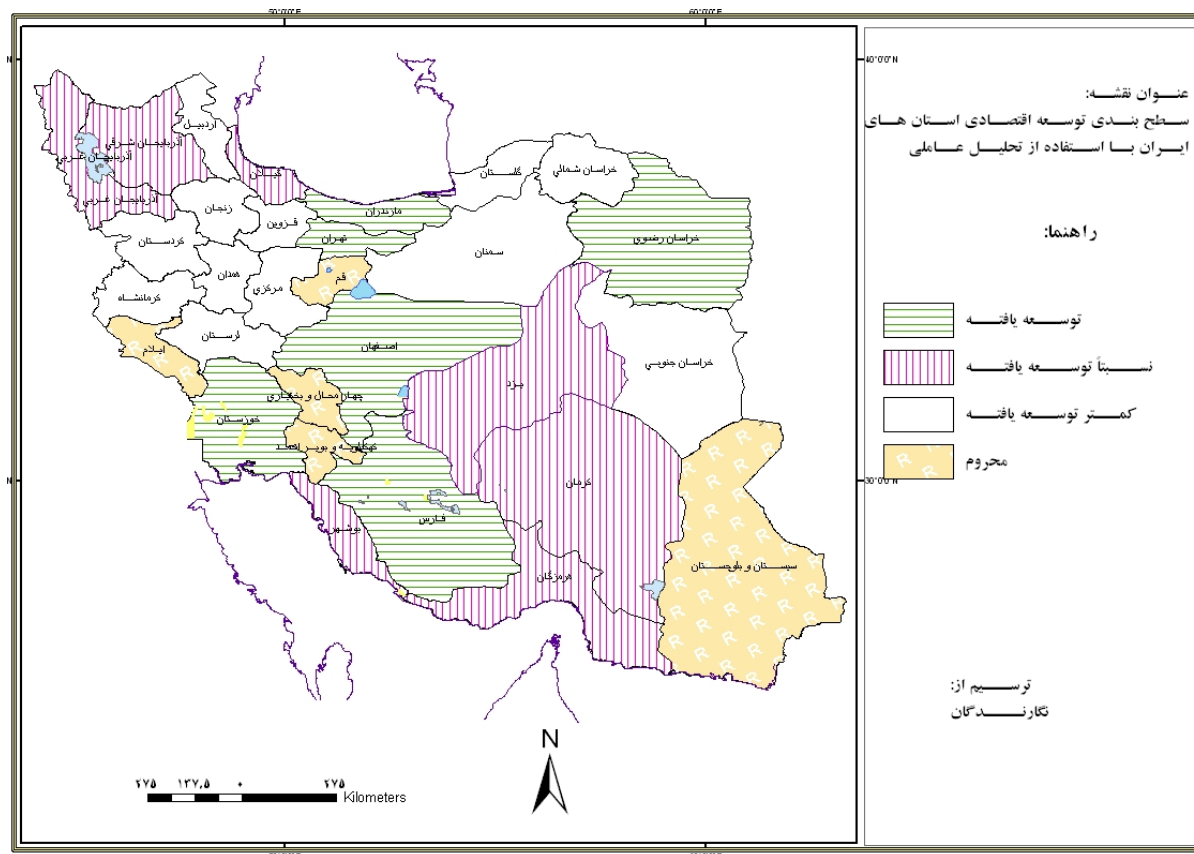
شاخص‌های ترکیبی به رتبه‌بندی استان‌ها پرداخته شده است. پس از این مرحله، هر یک از استان‌های کشور بر اساس رتبه‌هایی که از توسعه اقتصادی کسب نموده‌اند، به دسته‌های مشخصی تقسیم بندی شده‌اند و هر کدام از آنها در چهار طبقه: توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته و محروم قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۶ و شکل شماره ۱).

جدول شماره (۶): امتیاز عاملی و رتبه‌بندی بر اساس شاخص ترکیبی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵

سطح توسعه اقتصادی	شاخص ترکیبی	استان	رتبه	رتبه	امتیاز عاملی هر یک از عوامل				استان	رتبه
					فصل اول	فصل دوم	فصل سوم	فصل چهارم		
توسعه‌یافته	4.48	تهران	۱	۷	-0.35958	0.04538	1.36481	0.05392	آذربایجان شرقی	۱
	2.43	اصفهان	۲	۱۲	-0.20166	-0.58061	1.00096	-0.01728	آذربایجان غربی	۲
	2.32	خراسان رضوی	۳	۲۲	-0.67682	-0.39127	-0.05953	-0.18532	اردبیل	۳
	2.21	خوزستان	۴	۲	1.13511	0.37699	0.61024	0.30796	اصفهان	۴
	1.91	مازندران	۵	۲۷	-0.66993	-0.31596	-0.97732	-0.30216	ایلام	۵
	1.83	فارس	۶	۱۱	-0.40834	1.93868	-0.86800	-0.26428	بوشهر	۶

ادامه جدول شماره (۶): امتیاز عاملی و رتبه‌بندی بر اساس شاخص ...

نسبتاً توسعه‌یافته	۷	تهران	5.21024	-70820	-08589	06300	۱	۷	آذربایجان شرقی	1.10
	۸	چهارمحال و بختیاری	-30020	-69150	-91022	-60828	۲۸	۸	کرمان	6۰1.
	۹	خراسان جنوبی	-30216	-85572	22790	01695	۱۸	۹	یزد	.73
	۱۰	خراسان رضوی	32646	232244	-51298	18396	۳	۱۰	گیلان	.63
	۱۱	خراسان شمالی	-32179	-61768	98033	-38854	۱۵	۱۱	بوشهر	.40
	۱۲	خوزستان	-01938	86945	211904	-76176	۴	۱۲	آذربایجان غربی	.20
	۱۳	زنجان	-30249	-49979	-24168	-15568	۲۰	۱۳	هرمزگان	-.23
کمتر توسعه‌یافته	۱۴	سمنان	-29879	-	-80281	64515	۲۴	۱۴	لرستان	-.28
	۱۵	سیستان و بلوچستان	-18072	-41401	-72984	-60068	۲۶	۱۵	خراسان شمالی	-.35
	۱۶	فارس	05691	120410	20913	35654	۶	۱۶	مرکزی	-.48
	۱۷	قزوین	-24693	-59973	40787	-43677	۱۷	۱۷	قزوین	-.88
	۱۸	قم	-22689	-	-69202	-45895	۲۹	۱۸	خراسان جنوبی	-.91
	۱۹	کردستان	-28818	-24787	-71243	-48181	۲۵	۱۹	گلستان	-1.02
	۲۰	کرمان	-28255	21489	3194۱	000۱1	۸	۲۰	زنجان	-1.20
	۲۱	کرمانشاه	-19881	-19810	-52605	-60385	۲۳	۲۱	همدان	-1.31
	۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	-31817	-88141	-95667	-63612	۳۰	۲۲	اردبیل	-1.31
	۲۳	گلستان	-30753	04272	-73263	-02178	۱۹	۲۳	کرمانشاه	-1.53
	۲۴	گیلان	-11138	210698	-68246	-68056	۱۰	۲۴	سمنان	-1.54
	۲۵	لرستان	-28011	06095	25919	-31632	۱۴	۲۵	کردستان	-1.73
	محروم	۲۶	مازندران	-09536	186810	-25099	38825	۵	۲۶	سیستان و بلوچستان
۲۷		مرکزی	-24716	-38641	05051	10001	۱۶	۲۷	ایلام	-2.27
۲۸		هرمزگان	-19039	-74838	113907	-42914	۱۳	۲۸	چهارمحال و بختیاری	-2.51
۲۹		همدان	-23252	00548	-63228	-44737	۲۱	۲۹	قم	-2.56
۳۰		یزد	-43498	-	-73353	295392	۹	۳۰	کهگیلویه و بویر احمد	-2.79



شکل شماره (۱): سطح توسعه اقتصادی استان‌های کشور

۳-۷- نتیجه‌گیری و اریه پیشنهادها

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که اختلاف و تفاوت اقتصادی زیادی بین استان‌های ایران وجود دارد. استان تهران از نظر شاخص‌های توسعه اقتصادی، با امتیاز شاخص ترکیبی $4/48$ و با اختلاف بسیار زیادی از استان‌های دیگر در رتبه اول قرار دارد. بعد از آن، استان‌های اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، مازندران و فارس نسبت به سایر استان‌ها از بالاترین حد توسعه اقتصادی برخوردارند و شاخص ترکیبی توسعه اقتصادی این استان‌ها بین $(2/43)$ و $(1/83)$ است. این استان‌ها با توجه به شاخص‌های مورد نظر توانسته‌اند با فاصله بسیار زیادی از سایر استان‌ها جدا شوند و در حد بالایی از توسعه اقتصادی قرار گیرند و جزء استان‌های توسعه

یافته محسوب شوند. گروه دوم، به عنوان استان‌های نسبتاً توسعه یافته محسوب می‌شوند که عبارتند از: آذربایجان شرقی، کرمان، یزد، گیلان، بوشهر، آذربایجان غربی و هرمزگان که سطح توسعه اقتصادی این استان‌ها از استان‌های گروه اول پایین‌تر است و شاخص ترکیبی اقتصادی آنها بین $(1/10)$ و (-23) قرار دارد. گروه سوم را استان‌هایی تشکیل می‌دهند که سطح توسعه اقتصادی آنها از استان‌های گروه دوم پایین‌تر است و به عنوان استان‌های کمتر توسعه یافته محسوب می‌شوند که عبارتند از: لرستان، خراسان شمالی، مرکزی، قزوین، خراسان جنوبی، گلستان، زنجان، همدان، اردبیل، کرمانشاه، سمنان و کردستان.

مثال، برخی از استان‌ها دارای منابع طبیعی فراوان و نیروی انسانی مناسب هستند، اما به دلایلی، از جمله؛ عدم سرمایه‌گذاری مناسب بخش دولتی و خصوصی، ناشناخته بودن و عدم تبلیغات مناسب، نبود امنیت و غیره، مانع از بهره‌وری مناسب از این منابع شده است و در برخی از موارد باعث تخریب و تضعیف این منابع می‌شود.

۳- تمرکززدایی اقتصادی از شهرهای بزرگ و پایتخت کشور؛ در ایران مرکز اکثر فعالیت‌های اقتصادی، شهرهای بزرگ هستند و اکثر پالایشگاه‌های بزرگ و فعالیت‌های وابسته به آن، مراکز صنعتی، مراکز تجاری بزرگ و فعالیت‌های خدماتی وابسته به آن، در چند استان بزرگ تمرکز یافته‌اند. این مسأله نه تنها باعث خارج شدن ثروت و سرمایه از سایر استان‌ها می‌شود، بلکه به تبع آن نیروی انسانی در جستجوی کار از این استان‌ها خارج و باعث مهاجرت‌های وسیع به شهرهای بزرگ می‌شود. این مسأله زمینه‌های لازم را برای بروز معضلات و مشکلات شهری، مانند: کمبود مسکن، تورم، مشکلات ترافیکی و حمل و نقل، آلودگی‌های زیست - محیطی و غیره فراهم می‌نماید.

۴- تعیین نقش معین و مشخص برای هر کدام از استان‌های کشور و سرمایه‌گذاری لازم در نقش‌های تعیین شده در جهت تقویت این نقش‌ها؛ هر کدام از استان‌ها از نظر اقتصادی دارای توان‌های خاصی هستند. برای مثال؛ برخی از استان‌ها قطب مهم تولیدات کشاورزی، صنعتی، معدنی، گردشگری و غیره محسوب می‌شوند که باید بسیاری از فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و بازارهای بزرگ وابسته به این محصولات در استان‌های تولید کننده، متمرکز شوند تا بخش عمده‌ای از ارزش افزوده ناشی از فروش این محصولات به منطقه باز

سطح چهارم را استان‌هایی تشکیل داده‌اند که از نظر توسعه اقتصادی، از سایر استان‌ها بسیار پایین‌تر بوده، شاخص ترکیبی توسعه اقتصادی آنها بین (۱/۹۳- و ۲/۷۹-) است و این استان‌ها به عنوان استان‌های محروم محسوب می‌شوند.

با توجه به شاخص ترکیبی، از نظر درجه توسعه اقتصادی، اختلاف بسیار زیادی بین استان‌های ایران وجود دارد که این فاصله بین توسعه‌یافته‌ترین استان (تهران با شاخص ترکیبی ۴/۴۸) و محروم‌ترین استان (کهگیلویه و بویر احمد با شاخص ترکیبی ۲/۷۹-) کاملاً مشخص و روشن است. بنابراین، فرضیه این پژوهش «بین استان‌های کشور از نظر سطح توسعه اقتصادی تفاوت زیادی وجود دارد» مورد تأیید می‌شود.

برای رفع این نابرابری توجه به موارد زیر ضروری است:

۱- شناخت پتانسیل‌ها و توان‌های محیطی استان‌ها و سرمایه‌گذاری و بهره‌وری مناسب از آنها؛ با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی ایران، هر یک از مناطق دارای توان‌های بالقوه طبیعی هستند که می‌باید به خوبی شناسایی شوند و بر روی آنها سرمایه‌گذاری شود. برای مثال؛ استان سیستان و بلوچستان (واقع شدن در کنار بنادر و جزایر)، کهگیلویه و بویر احمد (دارا بودن ذخایر زیرزمینی نفت و گاز و مناظر طبیعی)، چهار محال و بختیاری (منابع اکوتوریستی) و سایر استان‌ها با توجه به توان خاصی که دارند.

۲- شناخت نقاط ضعف و عوامل تهدید کننده اقتصادی استان‌ها و استفاده از روش‌ها و ابزار قوی مطالعاتی برای رفع آنها؛ هر کدام از استان‌ها دارای نقاط قوت و فرصت‌هایی برای رشد و توسعه اقتصادی هستند، اما وجود نقاط ضعف و عوامل تهدید کننده، مانع از توسعه اقتصادی این استان‌ها شده است. برای

۶- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین، (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.

۷- حکمت نیا، حسن و موسوی، میرنجف، (۱۳۸۴)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی نواحی ایران، مجله جغرافیا و توسعه.

۸- حکمت نیا، حسن و موسوی، میرنجف، (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، یزد.

۹- زاهدی، محمد جواد، (۱۳۸۲)، توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، تهران.

۱۰- کاظمی، مهدی و زمانیان، غلامرضا، (۱۳۸۴)، تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان، مجله جغرافیا و توسعه.

۱۱- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۲)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات علوم اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS، انتشارات شریف، تهران.

۱۲- لفت ویچ، آدریان، (۱۳۸۵)، پیرامون اهمیت سیاست در توسعه دولت‌های توسعه گرا، ترجمه جواد افشارکهن، انتشارات مرندیز نی نگار، مشهد.

۱۳- لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی توسعه، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

۱۴- منصورفر، کریم، (۱۳۸۵)، روش‌های پیشرفته آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۵- مهدوی، مسعود و طاهرخانی، مهدی، (۱۳۸۳)، کاربرد آمار در جغرافیا، انتشارات قومس، تهران.

گردد. این مسأله انگیزه لازم را برای کار و فعالیت برای مردم منطقه فراهم می‌آورد.

۵- ایجاد قطب‌های اقتصادی: از پیوستن استان‌های همجوار با توجه به پتانسیل‌های آنها حاصل می‌شود که می‌تواند ضعف استان‌های محروم را از بین ببرد. به فرض می‌توان در استان‌های مجاور اصفهان، همانند چهارمحال و بختیاری یک قطب ایجاد کرد که با توجه به توسعه یافتگی استان اصفهان، ضعف اقتصادی استان چهارمحال و بختیاری تا حدود زیادی از بین می‌رود.

منابع

۱- آسایش، حسین و استعلاجی، علیرضا، (۱۳۸۲)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (مدل‌ها، روش‌ها و فنون)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری.

۲- آسایش، حسین و مشیری، سید رحیم، (۱۳۸۴)، روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق علمی در علوم انسانی با تأکید بر جغرافیا، انتشارات قومس، تهران.

۳- امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۷۵)، پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران، ترجمه علی طایفی، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، انتشارات اطلاعات، تهران.

۴- امینی، نجات، یدالهی، حسین و اینانلو، صدیقه، (۱۳۸۵)، رتبه‌بندی سلامت استان‌های کشور، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.

۵- بهشتی، محمد باقر، (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی ایران، انتشارات دانشگاه تبریز.

16. Everitt B.S, (1994), *Statistical Methods for Medical Investigations*, Edward Arnold, London.
17. Everitt B.S. & Dunn G, (1991), *Applied Multivariate Data Analysis*, Edward Arnold, London.
18. GORSUCH, Richard L, (1983), *Factor Analysis*, Second ed, Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
19. Sewell, Martin, (2007), *Factor Analysis*, Department of Computer Science, University College London.